

ملتها تاریخ را میسازند. مردان بزرگ تاریخ را شکوه میبخشند

درسوم شهریورماه سال ۱۳۲۰ درهنگامه جنگ جهانی، سربازان روس وانگلیس بیطرفی دولت شاهنشاهی ایران رانادیده گرفتندوایران زمین راباشغال درآوردند. نقض بیطرفی ایران واشغال خاک کشورمان ایران ازسوی نیروهای متفقین، بمنظورمتوقف ساختن سربازان نازی آلمان ورساندن نیروبه ارتش سرخ بود. درنتیجه رضاشاه بزرگ مجبوربه کناره گیری شدوفرزندش محمدرضاشاه جای اونسست. ایران بازمانده ازدوران قاجار، به ده کوره گمشده درتاریکی های تاریخ مانده بودکه رضاشاه بزرگ مردانه، این ده کوره گمشده درقلب تاریخ رادرکوتاه مدت، افسانه واربه کاروان پیشروی تمدن بشری رساند.

میگویند که رضاشاه دیکتاتوربوده است. تاریخ ، خودکامگان ومستبدان بسیارداشته است . دانشگاهها، راه آهن ، صنعت نو، شاهراهها، بهداشت وامنیت وایجادارتش نوین، همه اینها در پرتوحکومت آهنین اوجان گرفت . این دیکتاتوربه هرج ومرج درایران پایان داد وبابازگرداندن قانون وامنیت، شادی وآرامش رانیزبمردم ایران بازگردانید.

آزادی بزرگترین موهبت زندگی است، اما دردرازای تاریخ، آزادی کشان وخودکامگان آدمیان رابه بردگی کشاندند، بی آنکه سنگی برروی سنگ گذارند. اما رضاشاه ساخت وساخت، که دانشگاه بزرگ تهران، تنهایک گواه این سخن است. اگرپایان دادن بخیانته شیخ خزئل هاوتجزیه طلبان وکوتاه کردن دست توطئه گران وابسته به بیگانگان و کردنکشان وساختن محیطی که درآن کسی یاری تعرض بحریم آزادی دیگری را نداشته باشد، دیکتاتوری است؟! چه باک . . .

تاریخ بشری برپایه وگذاردمکراسی بناننده است. تاریخ برروال توانمندی وقدرت ساخته شده است. این قدرت متفقین بودکه بانان اجازه داد، تابیطرفی ایران رانقض کنند، وغول کمونیست

راازچنگال نازی آلمان رهانی بخشند. درزمان شکست آلمان، رهبران متفقین ، روزولت رئیس جمهورآمریکا، استالین رهبرشوروی وچرچیل نخست وزیرانگلستان درتهران گردآمدندوبرای دنیای پس ازجنگ دوم تصمیم گرفتند. دراین کنفرانس بودکه برای توجیه تجاوزنظامی خودبخاک ایران، ایران راپسل پیروزی نامیدندوهم دراین کنفرانس بودکه پادشاهی محمدرضایپهلوی رابرسمیت شناختند. مردجویانی که دربیست ویکسالگی دربرابرنمایندگان مردم ایران درمجلس سوگندخورد، وتاواپسین دم زندگانی پرازماجرایش به سوگندخودبایران ومردم آن واعتلای آن پایبرجاماند.

پیدایش جنگ جهانی دوم باعث شدکه درسوم شهریورماه ۱۳۲۰خورشیدی قشون دولتهای روس وانگلیس ازشمال وجنوب ناجوانمردانه وغافلگیرانه بایران حمله کنندو کشورمان راباشغال کنند. ونتیجترضاشاه راواداربه استعفاو خروج ازکشورنمایند رضاشاه بزرگ دراستعفانامه خودبرطبق موازین قانون اساسی، سلطنت رابفرزندش ولیعهدایران واگذارکرده بود، ولی ازآنجانیکه انگلیسهادل خوشی ازرضاشاه نداشتند نسبت به پادشاهی محمدرضاشاه رضایت نمیدادندودرنتیجه تلاش خودراجهدت به سلطنت نشانندن شخص دیگری ازجمله میرزاحسن خان قاجار، برادراحمدشاه قاجاربعمل میاوردند، ولی میرزاحسن خان قاجاربرادراحمدشاه، زبان فارسی بلدنبود، تابعیت انگلیس داشت وافسرنیروی دریایی انگلستان بود.

شادروان عبدالحسین مفتاح درکتاب خودبنام ایران پل پیروزی جنگ جهانی دوم مینویسد. هنگامیکه مامورسفارت ایران درلااهه ازسال ۱۹۵۴تا ۱۹۵۸بودم، آقای علی سهیلی هم درسفارت لندن بود. ازادعوت کردم که برای دیدن نمایش گل به لاهه بیاید، آمودیکهفته راباهم بودیم. دراینمدت زمانیکه ازگردش شهرهاوتماشای مزارع گل، فراغت مییافتیم وبرای ناهارویاشام به سفارت برمیگشتیم، پیرامون مشکلات گوناگون کشورمان صحبت میکردیم. شبی سرمیزشام صحبت رابهنگام جنگ واشغال ایران توسط روس وانگلیس کشانده وگفتم: درآنزمان شماوزیرخارجه دولت فروغی بودید وچنانچه شنیده ام، روزپیش ازرفتن شاه به مجلس برای انجام سوگند سلطنت، سفیران روس وانگلیس بدفترشماآمدندونظر دولت خودشان رادردعم شناسایی سلطنت محمدرضاشاه رابه شماابلاغ کردند. آقای سهیلی گفت: درست است، اصلا مخالف بودند. جریان ازاینقراربودکه یکروزقبل ازاینکه شاه بمجلس بروندوسوگندمقام سلطنت رایادکنند، درب دفترمن بازشدموستریبولارد سفیرانگلیس درحالیکه دست سفیرروس رادردست داشت، باصورتی جدی



وعصبانی گفت: از قرار معلوم فردا و الاحضرت ولیعهد برای انجام مراسم سوگند سلطنت بمجلس خواهند رفت؟ ما آمده ایم به شما بگوئیم که دولتهای ماسلطنت ایشان را خواهند شناخت! من بآنها گفتم که قرار ما این است که شما در کارهای مداخلت نکنید. گمان نمیکنم که نظر شما مورد قبول دولت مافرا گیرد. بولارد سفیر انگلیس گفت: ما اهمیت نمیدهیم، ما آمده ایم که نظر دولتهای خود را بشما ابلاغ کنیم، که سلطنت ایشان را خواهیم شناخت. سهیلی گفت خیلی ناراحت شدم و هر چه خواستم بآنها بفهمانم که تصمیمی که گرفته اند، بکلی برخلاف تفاهمی است که ما باهم داشته ایم، ولی مستری بولارد که خود را متکلم وحده کرده بود، روی فکر خود پافشاری میکرد. خلاصه پس از گفت و شنود زیاد، سهیلی برای خلاص شدن از شر بولارد راهی بنظرش میرسد و میگوید: بهتر است برویم نزد آقای نخست وزیر و آنها را به طبقه سوم وزارت خارجه که دفتر نخست وزیر، موقتاً در آنجا دایر بوده، میبرد و به آقای فروغی میگوید که برای چه آمده اند. آقای فروغی خیلی ناراحت میشود و با لحنی بسیار جدی میگوید: ما به نظر دولت شما اهمیت نمیدهیم و تصمیمی است، گرفته شده و فردا اولیعه، بمجلس خواهند رفت. مستری بولارد سفیر انگلیس میگوید، ما مقصودمان این بود که تصمیم دولتهای خودمان را با اطلاع شما برسانیم، و اکنون خودتانید، و میروند. آقای سهیلی میگوید: بیچاره آقای فروغی طوری شد که چند دقیقه در حالیکه سر خود را بین دودستش گرفته بود، روی میبل نشست، سپس برخاست و راه کاخ سلطنتی را پیش گرفت. هنگامیکه به حضور شاه شرفیاب شد، شاه را خیلی افسرده می بیند و بدون اینکه فرصت سخن گفتن بفروغی بدهند، میگویند آمدید بگوئید، که اینها ما را سلطنت نخواهند شناخت؟ معلوم میشود آقایان خودشان با وسایل معموله ای که در اختیار داشتند، نظر دولتشان را به شاه رسانده بودند. شاه بدنبال سخن خود میگویند، اگر خیال میکنید که صلاح مملکت در این است که من نباشم، هر چه آنها میخواهند، بکنید. آقای فروغی با حالتی بسیار ناراحت میگوید: قربان تصمیمی است گرفته شده، و فردا اعلیحضرت بمجلس تشریف فرما خواهند شد. همینطور هم به نمایندگان روس و انگلیس گفته شده است در اینکه روس و انگلیس نسبت به تغییر رژیم در ایران نظر داشتند، شکی نیست، زیرا پیش از آنکه شاه بمجلس بروند، دولتین انگلیس و روس توافق میکنند، که شادروان محمد ساعد که در آن موقع در مسکو ماموریت داشت، بسمت نایب السلطنه گمارده شوند، تا تکلیف رژیم قطعی ایران معین گردد. و هنگامیکه این سمت بایشان تکلیف میشود او از پذیرفتن آن خودداری، و تکلیف میکند که به شخص برجسته تری مانند آقای فروغی مراجعه کنند. این پیشنهاد توسط نمایندگان روس و انگلیس در تهران به شادروان فروغی میشود، و ایشان هم آنرا رد میکنند.

رضاشاه بزرگ در بخشی از کتاب سفرنامه مازندران چنین مینویسد:

من وطن خود ایران را بخوبی میشناسم. ایالات و ولایات و شهرها و قصبات مهم آنرا تماماً دیده ام و حتی در اغلب قرا و دهکده های آن بینوته کرده ام. تصور میکنم احدی در ایران بقدر من از جزئیات اخلاق و عادات و رسوم اهالی واقف و آشناتر نیست. زیرا افراد برجسته و مشخص آنرا، در هر ضلعی از اضلاع مملکت که باشند، شخصاً میشناسم و به اصول زندگی طرز تفکر، ایمان و عقیده، تخیلات و توهمات آنها واقفم. هر کس بکاری گمارده میشود، باید بجزئیات و دقائق آن امر مطلع گردد. خاصه پادشاهی که دامنه و وظایف او حتی بر سرحدات مملکت هم محدود نیست.

در مملکتی که اهالی آن دچار رخوت و بیعلاقگی و عدم رشد علمی و سیاسی باشند. هر شخص ناآگاهی را واجب است که به حدود کارهای خود اکتفا نکند. و اصول فداکاری و مجاهدت را در تمام دقائق امور نصب العین خود سازد. زیرا که در چنین مملکتی چرخهای کشور با توازن و توافق کار نمیکند، تا هر چرخ وظیفه خود را اجرا نماید و مطمئن باشد که سایر چرخها نیز کار و حرکت خود را انجام میدهند. در اینصورت آن چرخ که در حرکت و در کار است فیالواقع باید سایر ماشینهای خفته و از کار مانده مملکت را هم بگردش در آورد.

بشهادت خداوند متعال از روزی که خود را در مقامی دیده ام که موثر در اوضاع بوده، همت گماشته ام که تا غایت قوت خود کار کنم و ساکت ننشینم. در مقابل آن جامعه ای که بلندترین مقام را بمن مفوض کرده است، و مراسم و نظام و عهده دار رفاهیت خود قرار داده است

من نیز موظفم که صیانت وطن را بر حفظ جان خود رجحان بدهم و بر همه ثابت و مستقر سازم که همه چیز برای وطن.

شب و روز استراحت را بر خود حرام کرده ام. اساساً از بدو طفولیت وارد مرحله تفریح و تفرج و عیش و خوشگذرانی و تن آسانی نبوده ام. بر طبق عادت همیشگی در تمام شبانه روز بیش از چهار ساعت نمیخوابم. و اخیراً یک ساعت از آن چهار ساعت نیز صرف تفکر و تتبع میشود.

متصل بمطالعه و تحقیق احوال کشور ایران مشغولم. مسائل تجاری و فلاحی و انتظامی و معارفی را عموماً در نظر گرفته، با تناسب الاهم و فی الاهم توجه بهمه را وظیفه خود میشناسم البته اوضاع مالی مملکت با حوادث فوق العاده ای که بر آن وارد آمد، و در معرض چپاول خودی و بیگانه قرار گرفته بود، طوری نیست که بزودی بتوانم بهبود کاملی را انتظار داشته باشم، ولی بانظریاتی که اندیشیده ام و افکاری که پیش بینی کرده ام، یقین

قطعی دارم که پس از سه الی چهار سال دیگر بودجه مملکت را با تعادل ثابت موزون، گریبان مملکت را از استقراضهای خانانها و خانه برانداز دوره های سلف، آسوده و مستخلص خواهم نمود.

در ضمن این یادداشتها از تذکار یک موضوع مهمی که هیچ گوشی، فعلا در ایران طاقت شنیدن آنرا ندارد، خودداری نمیکنم. امتداد خط آهن ایران و متصل ساختن بحر خزر به دریای آزاد و خلیج فارس جزو آمل و آرزوهای قطعی من است. آیا ممکن است که خط آهن ایران با پول خود ایران و بدون استقراض خارجی و در تحت نظر مستقیم خود من تاسیس شود؟ آیا ممکن است که مملکت پهناوری مثل ایران از ننگ نداشتن راه آهن خلاص شود؟

آیا در موقعیکه دیگران در خطوط آسمان در طیران هستند و در تمام اراضی آنها مشبک از خطوط آهن است، ممکن است که مملکت من هم از ننگ و عار، بی راهی نجات یابد؟

آرزو و آمل غریبی است. خزانه مملکت طوری تهی است که از مرتب پرداختن حقوق اعضاء دوائر عاجز است. و این درحالیست که من نقشه امتداد خط آهن ایران را در مغز خود می پرورم. آنهم با سیصد کرور تومان مخارج و بدون استقراض. باید دید که در پس پرده غیب چه مقدر شده است. البته من این فکر خود را به احدی ابراز نمیکنم زیرا احدی با این فقر خزانه، و این فقر جامعه و این وضعیت درهم و بیرهم تحمل استماع آنرا نداشت و تصور آن از حدود مخیله هر کسی خارج بود. معهذ دیروز که دشتی مدیر روزنامه شفق سرخ با اتفاق بهرامی رئیس کابینه من به دفتر اداری من در عمارات وزارت جنگ آمده بودند، و من مشغول مطالعه نقشه جغرافیائی ایران بودم. این فکر خود را با آنها گوشزد و هر دو را متذکر ساختم که اگر دست روزگار پیش بینی کاملی برای ادامه عمر من نکرده باشد، شما دونفر شاهد باشید که امتداد خط آهن ایران یکی از آمل دیرینه من بوده است، و دقیقه ای از خیال ایجاد آن منصرف نبوده ام.

از سوی سازمان پاسداران فرهنگ ایران گاهنامه ای انتشار یافت که بسیار مورد توجه ایرانیان قرار گرفت. در این گاهنامه میهنی از خدمات شاهان پهلوی به نیکی یاد شده که دریغ است، اشاره کوتاهی، هر چند مختصر بآن نشود. در این باره گوشه هانی از این دستاوردها در زیر میآوریم تا هم میهنان بویژه جوانان از آن آگاه شوند. دوره رضاشاه بزرگ: ایجاد ارتش نوین (زمینی، هوایی، دریایی) و برقراری نظام وظیفه، علیرغم مخالفت شدید روحانیون.

پدید آوردن آرامش و امنیت در سراسر کشور و برانداختن گردن کشانی مانند شیخ خزعل، سردار فاتح بختیاری، اسماعیل سمیتقو، میرزا کوچک خان جنگلی، کاظم قوشچی، بهرام خان، شیخ عبدالقادر، سید جلالچمنی و... که هر یک برای خود در گوشه ای از کشور حکومت میکردند.

- برانداختن کاپیتولاسیون.
- تاسیس وزارتخانه های نوین.
- ایجاد و توسعه و گسترش راهها.
- ساختن راه آهن سرتاسری ایران، از درآمد قند و شکر.
- سرو سامان دادن به وزارت دارائی و تنظیم امور اقتصادی کشور.
- توسعه و بهبود کشاورزی و تاسیس موسسه دفع آفات نباتی.
- تاسیس دانشگاه تهران.
- کشف حجاب و شرکت دادن زنان در فعالیت های اجتماعی و جانشین نمودن قوانین مدنی بجای قوانین واپسگرای مذهبی در تمام زمینه ها.
- بنیاد کارخانه های گوناگون از جمله: کارخانجات دخانیات، قند، نساجی، سیمان، برنج، پنبه، روغن و... .
- تاسیس دادگستری و سامان دادن به کار آن و تاسیس مدرسه حقوق و کوتاه کردن دست روحانیون و پایان دادن به احکام سنگسار زنان و بریدن دست و پا و سرکوب شورش شیخ بهلول در طوس.
- گسیل دادن دانشجویان به اروپا.
- ایجاد اولین فرستنده رادیونی و تلگراف و بی سیم.
- گشایش بانکهای سپه، ملی (بعنوان ناشر اسکناس) و کشاورزی.
- کتابخانه ملی و موزه ها و دستور ساختن آرامگاه فردوسی و احیاء هنرهای دستی و باستانی.
- تاسیس فرهنگستان زبان فارسی و انتخاب نام «ایران» به جای پرشیا.
- تاسیس جمعیت شیروخورشید سرخ.
- تاسیس اداره ثبت احوال و املاک و دادن شناسنامه به ایرانیان.
- پژوهشهای باستانی در نقاط تاریخی کشور و تاکید در حفظ و نگهداری آثار تاریخی باستانی.
- انتخاب گاه شمار خورشیدی بعنوان تقویم رسمی کشور بجای ماههای قمری عربی.

- تاکید و دربر زنگداشت و برگذاری مراسم ایرانی، رواج موسیقی و هنر سراها.

دوره محمدرضا شاه پهلوی:



- تامین و تضمین حق حاکمیت تاریخی ایران به جزیره های سه گانه خلیج پارس و تامین امنیت کشتیرانی در آبهای اروند رود (شط العرب) بر پایه خط تالوگ (خط میانی در عمیق ترین نقطه).
- تامین و تضمین مرز های خشکی با عراق که تا قبل از سال ۱۹۷۳ بار ها علامت گذاری ها و خط مرزی مورد تجاوز همسایه غربی قرار میگرفت.
- فرمان واگذاری همه املاک و دارائی موروثی به دولت تادرفاه اجتماعی ملت مورد استفاده قرارگیرد.
- عقد پیمان اتحاد بین ایران و متفقین .
- عضویت ایران در سازمان ملل متحد.
- نجات آذربایجان از چنگال بیگانگان و عوامل آنها.
- توسعه سیستم بانکی و تاسیس بانکهای صنعتی و معدنی برای کمک به ایجاد صنایع و استخراج معادن ایران.
- تاسیس سازمان شاهنشاهی خدمات و بیمه های اجتماعی و تهیه و توزیع رایگان کتابهای درسی ابتدائی.
- رایگان کردن آموزش تا پایان دانشگاه و اجباری نمودن آن تا پایان سیکل اول دبیرستان
- تغذیه رایگان دانش آموزان مدارس در بیش از ده هزار دبستان در سراسر کشور، ایجاد کلاسهای پیکار با بیسوادی.
- تقسیم زمینهای شخصی بین کشاورزان و تصویب قانون فروش خالصجات.
- تاسیس بنیاد پهلوی و تشکیل بانک عمران برای کمک به کشاورزان .
- توسعه فعالیتهای شیروخورشید سرخ ایران چه در داخل کشور و چه در کشورهای دیگر برای امداد رسانی به آسیب دیدگان.
- تجدیدنظر در اصل ۴۸ قانون اساسی مجلس موسسان و تشکیل اولین مجلس سنا.
- پافشاری در ملی شدن صنعت نفت و پیروزی بر کمپانیهای بین المللی نفتی و توسعه شرکت ملی نفت ایران که از لحاظ درآمد مقام اول رادر جهان بدست آورد.
- راه اندازی پالایشگاه های کرمانشاه، تهران، اصفهان، تبریز و تکمیل پالایشگاه آبادان.
- ایجاد سازمان اوپک و بدست گرفتن رهبری آن توسط ایران .
- توسعه کمی و کیفی همه جانبه در تحصیلات عالی و دانشگاهی از جمله تاسیس ۱۹ دانشگاه
- ۱۱ دانشکده مستقل، ۳۰ مدرسه عالی، ۵ موسسه آموزشی و ۹ آموزشگاه عالی.
- تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی.
- پیکار با بیماریهای واگیردار همگانی و ریشه کن کردن مالاریا و تراخم و دیگر بیماریهای بومی و ایجاد ۵۳۹ بیمارستان و ۲۷۵۰ درمانگاه و مرکز درمانی در گوشه و کنار کشور، بویژه در روستاها
- تاسیس کارخانجات داروسازی، داروپخش، تولید دارو، فارما و
- توسعه پیوند سیاسی و اقتصادی ایران با بسیاری از کشورهای جهان و ایجاد زمینه سرمایه گذاریهای دوجانبه از جمله: شرکت پالایشگاههای مدرس (در هند)، شرکت کود شیمیائی مدرس و شرکت ملی تصفیه کنندگان نفت آفریقای جنوبی، شرکت کروپ آلمان و نفت شمال انگلستان .
- بنیاد کارخانه های بزرگ مانند پتروشیمی، ذوب آهن، آلومینیوم، ماشین سازی و بیش از ۱۰۰۰۶ کارخانه و تولیدی دیگر و ۳۹۳۰ کارگاه صنعتی .
- اعتلای فرهنگ و هنر و تاسیس موسسات فرهنگی و هنری متعدد (موزه، تئاتر، مدارس هنری. . .) و تربیت هنرمندان.
- بنیاد و گسترش ایستگاههای رادیویی و پست و تلگراف و تلفن و تاسیس و توسعه شبکه تلویزیون ملی از طریق مراکز مخابرات اسداباد و خرید یک ماهواره مخابراتی بنام زهره.
- گسترش راهها و شهرسازی، جدا از اتوبانهای تهران، قم و تهران، قزوین و اصفهان. در سال ۱۳۵۰ مجموع راههای اسفالتی کشور ۱۳۶۵ کیلومتر و راههای شوسه ۲۲۱۶۶ کیلو متر و راههای فرعی ۸۳۵۱ کیلومتر بودند.

- ذوب آهن که یکی از آرزو های رضا شاه کبیر بود.
- تاسیس شرکت هواپیمانی ملی ایران و ایجاد و تکمیل فرودگاههای بین المللی: شیراز، آبادان، بوشهر، بندرعباس و کیش. شرکت هواپیمانی ملی ایران نخستین شرکت هواپیمانی جهان بود که فاصله تهران، نیویورک ویتا تهران، پکن را بدون توقف طی میکرد.
- ایجاد خط لوله گاز سراسری (طرح شاه لوله گاز ایران) بمنظور گازرسانی به شهرها و فروش آن به خارجیان و ایجاد تسهیلات حرارتی برای صنایع سنگین مانند ذوب آهن .
- تقویت ارتش و بالابردن دانش نظامی و قدرت دفاعی کشور بامدرن نمودن تجهیزات و سازو برگ در نیروهای زمینی، هوایی و دریایی. ایران دارای پنجمین ارتش نیرومند جهان قلمداد میشد.
- گسترش و توسعه راه آهن به اصفهان، کرمان، مشهد، تبریز و اتصال راه آهن ایران با اروپا.
- ملی کردن جنگلها و مراعات کشور و جنگل کاری در سطح وسیع و ترمیم جنگلهای مخروبه.
- فروش سهام کارخانجات دولتی و خصوصی به کارگران و کارمندان و سهیم کردن کارگران در منافع کارگاههای تولیدی و صنعتی برای بالابردن درآمد آنان.
- ایجاد سپاه دانش برای روستاهایی که بمرکز آموزشی شهرها دسترسی نداشتند.
- تشکیل سپاه بهداشت و اعزام آنان بمناطق دوردست روستاها.
- اصلاح قانون انتخابات و آزادی زنان و شرکت آنان در انتخابات که مورد اعتراض شدید روحانیون قرار داشت و ایجاد سازمان زنان.
- ایجاد سپاه ترویج و آبادانی برای نوسازی روستاهای کشور.
- تاسیس خانه های انصاف، برای رفع مشکلات مردم روستاها.
- ملی کردن آبهای کشور و ساختن بندهای بزرگ.
- ایجاد تعداد ۳۷ سد عظیم آبیاری که از این تعداد ۱۳ سد، نیمه تمام باقی ماند.
- تاسیس شرکتهای فولاد ایران، شرکت تولیدی مس سرچشمه که در ردیف ششمین واحد های استخراج مس در دنیا است.
- تاسیس شرکت ملی پتروشیمی ایران که تولید نهانی محصولات آن به سه ملیون تن در سال میرسید.
- ایجاد بیش از ۷۰۰ سیلوی گندم و دانه های روغنی و انبارهای میوه و گوشت.
- صنایع چاپ و انتشار تاسیس صنایع لاستیک سازی و داروئی و شیمیائی، صنایع آهن و فولاد و آلومینیوم، صنایع کاغذسازی و صنایع تولیدات برقی و صنایع ابزار ماشینی و صنایع دیزل و اتومبیل سازی. مراکز صنایع فولاد ایران خود بصورت دانشگاهی درآمدی بود که کارگران ایران را برای دیگر صنایع تربیت و آماده میکرد و سالانه ۷۰۰۰ کارآموز از صنایع مادر به دیگر واحدهای صنعتی کشور اعزام میشدند.
- توسعه و تاسیس بنادر نفتی و بازرگانی از جمله جزیره خارک، خرمشهر و . . .
- اهداء کاخ مرمر و تبدیل کاخ گلستان بعنوان موزه .
- برافراشتن پرچم ایران بر فراز جزایر ایرانی تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی.
- طرح ایجاد لژیون خدمتگذاران بشر در دانشگاه هاروارد، که در سازمان ملل متحد بنام سپاه داوطلبان ملل متحد بوجود آمد.
- رساندن درآمد سرانه مردم از زیر ۱۰۰ دلار به ۲۷۵۰ دلار در سال ۱۳۵۷.
- قرارداد خرید بیست نیروگاه اتمی با آلمان، فرانسه و آمریکا، که میبایست تا سال ۱۹۹۵ آماده بهره برداری قرار میگرفتند، که فاجعه اسلامی ۱۳۵۷ همه آنها را ملغی کرد.
- برقراری روابط حسن همجواری با کلیه کشور ها و ایجاد سفارتخانه و دفاتر مدرن در سراسر دنیا .
- تامین بودجه برای بورس های دانشجویی در سراسر دنیا.
- اعزام سفیر بسیار مخصوص به اروپا و آمریکا برای جذب مغز های تعلیم دیده و دعوت آنان به همکاری در ادارات، سازمان ها، بیمارستان ها، مهندسی ها و صنایع. گروهی که مایل به مراجعت میشد از حقوق بالا، اتومبیل و حتی پیشخدمت بهره مند میشدند و اگر حاضر میشدند در روستا ها و نقاط دور افتاده کار کنند اتومبیل جیب هم در اختیار آنان گذاشته میشد.
- بالا بردن ارزش پول ایران - ریال ایران جزو ده پول اول دنیا در بین همه کشور های دنیا شناخته میشد. پول ایران در بازار چین آسان تر از دلار آمریکا به یوان چین قابل تبدیل شده بود.
- صنایع نظامی
- صنایع گاز

- تاسیس پالایشگاه های متعدد درگوشه کنار کشور برای جلوگیری از هزینه سنگین حملو نقل و نزدیکی تصفیه خانه ها به صنایع.
- شرکت شیلات.
- ساختمان اسکله و پلاژ های تفریحی.
- سفارش خرید هواپیما های بونینگ مجهز به دستگاه های شناسایی آواکس برای تامین پوشش امنیت فضائی ایران و منطقه.
- جلوگیری از شن های روان در کویر - که همه ساله تعدادی از روستا های حاشیه کویر به زیر ماسه و شن فرو میرفت.
- ایجاد ذوب آهن و صنایع وابسته و بهره برداری از معادن غنی ذغال سنگ سمنان، شاهرود، خراسان.
- ایجاد صنایع مس و بهره برداری از معادن مس سرچشمه.
- ایجاد صنایع پترو شیمی و توسعه بندر شاهپور
- طرح و برنامه ریزی برای تاسیس بندر چاه بهار و احداث صنایع تعمیر کشتی های اتمی و ناوگان ها- که با هجوم ملایان پروژه ناقص ماند و بعدا در دوره جنگ عراق با ایران با هزینه های سنگین تری از جانب شرکت های چند ملیتی از جمله زیر پوشش سنگاپور ساخته شد.
- طرح و برنامه تاسیس انبار های بندی مجهز به سردخانه در بنادر جنوب از جمله چاه بهار.
- طرح و برنامه ریزی راه های اسفالت و بزرگراه ها که تمام پروژه ها از جمله؛ جاده قزوین، شاهره های شاهنشاهی، جردن، کرج و جاده معروف به سنتو از مرز پاکستان، افغانستان تا اتصال به شاهره های اروپا از طریق ترکیه.
- پرداخت وام به ترکیه برای تعمیر و توسعه جاده ها در جهت تامین امنیت برای عبور کامیون های حمل و نقل، اتوبوس ها و ایرانیانی که مرتبا در حال سفر به اروپا بودند.
- تامین امنیت ملی در سرتاسر ایران و استفاده از وسایل فنی پیشرفته برای تامین امنیت مخابرات و تبادل اطلاعات بین سفارتخانه ها و وزارتخانه ها بصورتی که از دید و شنود پنهانی بیگانگان بدور باشد.

تهیه از: سازمان پیوند ایرانیان